

تهاجم دولت و دور جدید اعتصابات کارگری

اعتصاب کارگران معادن کرمان و کارگران دکل های نفتی خوزستان

شکنجه و قتل ۲۳ کارگر افغانستانی توسط مرزبانان رژیم اسلامی!

جمهوری اسلامی یک حکومت فاشیستی است!

قطره ای در مقابل دریایی محبت!

صفحه ۵

سعید آرمان

نماز جمعه، چشم در آوردن و جهش اقتصادی!

صفحه ۶

آذر ماجدی

عراق: کابینه "بحران در بحران" مصطفی الکاظمی

صفحه ۷

فاتح شیخ

کارگران و تحریم اقتصادی

(در رابطه با نوشته جوانمیر مرادی)

صفحه ۸

رحمان حسین زاده

کارگران معادن زغال سنگ کرمان مدیر عامل را فراری دادند!

علی خامنه ای چرند میگوید!

صفحه ۱۵

سعید یگانه

رفیق علی عجمی زندگی را به درود گفت!

اعلامیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

اعدام ابزار ارباب جامعه است، علیه حکومت اعدام بایستیم!

۵۴۲

مستقلی
کمونیست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

Worker-communist Party of Iran -
Hekmatist

۱۹ اردیبهشت ۱۳۹۹ - ۸ مه ۲۰۲۰

از پرستاران حمایت کنیم!

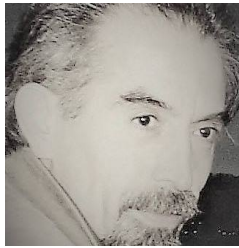
هنوز مردم جهان در چنگال پاندمی کرونا گرفتارند و کارکنان بیمارستانها تحت شرایط کار بشدت خطرناک هر دقیقه با مرگ دست و پنجه نرم میکنند. کسانی که اینروزها با عناوین مملو از عواطف انسانی از سوی مردم تمجید و بدرقه میشوند، از سوی دولتها و سرمایه داران تحت فشارهای عدیده قرار دارند. ایران یکی از کشورهایی است که پاندمی کرونا یک فاجعه تمام عیار ببار آورده و با توجه به زیرساختهای درمانی محدود، بار آن اساساً روی دوش کادر درمان بوده است. با اینحال رفتار جمهوری اسلامی و وزارت بهداشت با پرسنل درمان و مشخصاً پرستاران فاجعه بارتر است. در جمهوری اسلامی و نظامی که درمان و بهداشت و آموزش و همه چیز را بازاری کرده است، وضعیت حقوقی و استخدامی و شرایط کار این عزیزان غیرقابل تحمل است.

در اعتراض به این شرایط وحشتناک اخیراً پرستاران دست به اعتراض زدند. حدود دو هزار پرستار از بازگشت به کار و تمدید قرارداد تحت شرایط غیر ایمن تاکتونی امتناع کرده اند. طی سالهای گذشته آنها با قراردادهای موقت استخدام شدند و اصطلاحاً "شرکتی" کار میکنند. بعبارتی دیگر، شرکتهای واسطه و پیمانی، که حلقه رابط صاحبان سرمایه در بنگاههای مختلف اقتصادی اند و عمدتاً خودشان

صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از پرستاران حمایت کنیم...



اعتصاب بر آن تاکید کرده بودند، اما هر بار این خواستهها با تهدید به اخراج و زندان و عده و عید توخالی فراموش شده است.

اگر هدف این تبلیغات اینست که مسئولیت دولت و کارفرمایان را روی دوش عدم بازگشت به کار پرستاران بگذارید، این سیاست نخ نمائی است و نمیگیرد. مردم

میگویند خُب درصد کمی از مفتخوری و اختلاس را به کادر درمان و زیرساختهای درمانی اختصاص دهید تا مشکل حل شود. کارگران این فرهنگ غنی انسانی را داشته اند که در هر اعتصاب و اعتراض بخشهای اورژانس و ضروری را فراموش نکنند. حتی در دوره های انقلابی نیز این سنت آبرومند کارگری قویاً عمل کرده است به این دلیل ساده که اهداف کارگری با منفعت عمومی تناقضی ندارد. لذا شریفی مقدم بهتر است بجای دفاع جیوانانه از شرکتیهای پیمانی و این فرمایشات روی اصل مطلب برود. پرستاران و کادر درمان در ماههای اخیر بسیار بیشتر از توان فیزیکی شان جانفشانی و فداکاری کردند تا بتوانند بیماران و مبتلایان را نجات دهند. دولت و وزارت بهداشت و خانه پرستار باید دست از شانناز علیه پرستاران بردارد و بجای تبلیغات منفی و دروغ، به خواستههای پرستاران فوراً جواب دهد. نمیشود بخشهای مختلف طبقه کارگر را در فقر و گرسنگی و کار تحت کرونا رها کرد، تهدید به سرکوب کرد و در مقابل خواستههای بدیهی آنها شانه بالا انداخت. آنها ناچار میشوند مثل کارگران معادن کرمان و پرستاران به شما کارفرمایان و شرکتیهای زالوصفت پیمانی تودهنی بزنند تا حساب کار دستتان بیاید. مطالبه پرستاران و بهیاران و کادر درمان بسیار برحق است و اتفاقاً چون زورشان الان بیشتر از هر زمانی میرسد، میتوانند و باید به قراردادهای مورد نظرشان دست یابند. این دولت و وزارت بهداشت و شرکتیهای پیمانی متخصص دزدی از حقوق کارگران هستند که این شرایط را در مراکز کارگری و آموزشی و درمانی ایجاد کرده اند تا سهم شیر را از کل استثمار طبقه کارگر ببرند. مسئولیت اینکار تماماً برعهده این نهادها است که با جان مردم بازی میکنند و رسماً کارگران و کارکنان را به کشتن میدهند و حتی حاضر نیستند حقوق حداقل شان را درست و حسابی پرداخت کنند! شاید از تعدادی از پزشکان که تجارخانه باز کرده اند انتظاری نباشد اما اکثر نیروهای کادر درمان باید متحدانه از خواست پرستاران و بهیاران حمایت کنند و دستجمعی خواهان تامین خواستههای باشند که طی سالها توسط همین نهادها و وزارت بهداشت بفراموشی سپرده شده است.

در دوره کرونا، نه سرمایه دار، نه آخوند، نه تجار مفتخور و نه سلبریتی های حامی حکومت یک سر سوزن خاصیت نداشتند. این بخشهای مختلف طبقه کارگر بویژه کادر درمان، کارگران تولید مواد بهداشتی، غذایی، نظافت و ترانسپورت بودند که ناجیان واقعی جامعه بودند و هنوز بار سنگینی بردوش آنها قرار دارد. دفاع از خواستههای پرستاران توسط همکاران و هم طبقه ای هایشان و هر آزادیخواه و انسان دردمندی نه فقط ضروری بلکه یک امر انسانی و حمایت از جامعه است.

سردبیر.

۸ آوریل ۲۰۲۰

آنها تاسیس کردند، برای وزارت بهداشت و درمان با شرایط ارزان تر و نالین تر تامین نیرو میکنند تا هر وقت خواستند عذر آنها را بخواهند و از تعهد امنیت شغلی و پرداخت بیمه و مزایای شغلی هم معاف باشند. پرستاران "شرکتی" خواهان تغییر قراردادهای موقت کنونی، تبدیل آن به قراردادهای ایمن و رسمی هستند و اعلام کردند تا این اقدام صورت نگیرد از بازگشت بکار خودداری میکنند.

مسئله بسیار ساده و روشن است؛ باید جامعه ای را تصور کنید که همین امروز و براساس آمار خود وزارت بهداشت ۶۱ شهر آن در وضعیت قرمز قرار دارد، در ۱۵ استان کشور پاندمی کرونا رو به وخامت دارد و در بقیه استانها هم اوضاع تعریفی ندارد. کارنامه دولت و نهادهای مربوطه در این زمینه تماماً سیاه است، آنوقت تمام مخاطرات و فشار کار روی سر کادر درمان خراب میشود. در بسیاری از بیمارستانها عمده پرسنل و کادر درمان خودشان مجبور شدند با هزینه شخصی لباس و وسائل ایمنی حداقلی را تامین کنند و بیمارستان و دولت حتی از دادن وسائل ایمنی و بهداشتی ویژه به آنها خودداری کرده است. کادر درمان بدلیل همین فشارها بعضاً دو شیفت و خیلی جاها چند روز متوالی در هفته بدون بازگشت به منزل ناچار به کار تحت خطرناک ترین شرایط شدند، دهها نفرشان جان باختند، اما وزارت بهداشت و دولت اسلامی هنوز حاضر به انعقاد قرارداد کاری ایمنی با آنها در این وضعیت ویژه و بحرانی نیست. واقعا یک حکومت، یک نظام، چقدر باید جنایتکار، واپسگرا و ضد جامعه باشد که حتی در دوره هایی که بالاترین نیاز به کادر درمان دارد، با منطق حداکثر سود و بازار با آنها برخورد کند و از تامین حداقل ایمنی شغلی و قرارداد کار سر باز زند؟ پرستاران هزار بار حق دارند در اعتراض به این وضعیت غیر قابل تحمل از بازگشت به کار امتناع کنند.

حالا دبیر کل خانه پرستار، جناب شریفی مقدم، بجای پاسخ به خواست پرستاران موسوم به "شرکتی" به سیاست گروکشی رو آورده و می فرماید: "اگر در برهه ای از زمان پرستاران شرکتی تصمیم بگیرند که قراردادشان را لغو کنند و این روند ادامه داشته باشد، فاجعه است!!" از نظر این حضرات قرارداد کمتر از سه ماه یعنی ۸۹ روزه و قابل لغو توسط پیمانکار و شرکتیهای که نیرو تامین میکنند "فاجعه" نیست! قراردادهای موقت و حداکثر یکساله با کمترین حقوق و مزایا و فاقد هر نوع امنیت شغلی "فاجعه" نیست! نفهمیدن نیاز اساسی جامعه و عدم تقویت کادر درمان و بهداشت، عدم اختصاص بودجه ویژه از سوی دولت و وزارت بهداشت، عدم کاهش ساعت کار در ایندوره بحرانی و حساس "فاجعه" نیست! فشار غیر قابل تصور کار در این اوضاع و بیهوش شدن وسط راهرو و بخشها و سکنه مغزی و قلبی پرسنل از فرط خستگی "فاجعه" نیست! مبتلا شدن به کووید ۱۹ و تلفات غیر قابل جبران و مرتب کادر درمان "فاجعه" نیست، اما امتناع از کار در شرایط برده وار "فاجعه" است؟! این در حالی است که از ماههای بهمن و اسفند پرستاران به طرق مختلف این خواست را اعلام و به روحانی شاید نیز اطلاع داده بودند، در دوره های قبل با اعتراض و

تهاجم دولت و دور جدید اعتصابات کارگری اعتصاب کارگران معادن کرمان و کارگران دکل های نفتی خوزستان



معدنچیان کرمان مجدداً دست به اعتصاب زدند. امروز دوشنبه ۱۵ اردیبهشت ۳۵۰۰ نفر از کارگران معادن کرمان برای پیگیری خواسته‌هایشان و اعتراض به وعده‌های دروغ مسئولان دولتی و کارفرماها دست به اعتصاب و اجتماع زدند. روز اول اردیبهشت ۳۰۰۰ نفر از کارگران معادن کرمان برای اولین بار دست به اعتصاب زدند که با وعده رسیدگی اعتصاب خاتمه یافت. روز ششم اردیبهشت در مجلس اسلامی جلسه‌ای تحت عنوان "رسیدگی به مشکلات کارگران" تشکیل شد. در این جلسه کدانی نمایندگان کارگران را راه ندادند و آنرا به جلسه هماهنگی مجلس و دولت و امنیتی‌ها برای "مقابله با اخلاف" و "برخورد شدید با کارگران اعتصابی" تبدیل کردند. امروز کارگران معدنچی جواب این تمهیدات و تهدیدهای حکومتی را با اعتصاب جواب دادند و بر خواست شان پافشاری کردند. کارگران خواهان لغو فوری واگذاری شرکت به بخش خصوصی، اجرای طرح طبقه بندی مشاغل و افزایش دستمزدها هستند.

اعتصاب ندارند و تهدیدهای امنیتی و کرونا هم نتوانسته مانع این اعتراضات برحق علیه مشتی کارفرمای فاسد و استثمارگر شود که با اتکا به چماق سرکوب دولتی میلیونها خانواده کارگری را به خاک سیاه نشانده اند.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست از اعتصاب و اعتراض برحق کارگران معدنچی و کارگران دکل های نفت می کند و بخشهای مختلف طبقه کارگر در صنایع بزرگ را که سرنوشتی مشابه در انتظارشان است، به حمایت و تحرکی اعتراضی و اعتصابی علیه دولت اسلامی سرمایه داران فرامیخواند.



حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۱۵ اردیبهشت ۱۳۹۹ - ۴ مه ۲۰۲۰

زنده باد شوراها!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده ای را

همه جا برپا کنید! در کارخانه ها و محلات

شوراها را برپا کنید! امروز شورا ارگان

مبارزه و قیام و فردا ارگان حاکمیت!

همینطور امروز دوشنبه ۱۵ اردیبهشت بیش از صد نفر از کارگران "شرکت ملی حفاری ایران" در اعتراض به اخراج دستجمعی و خواست بازگشت به کار در شهر اهواز برای سومین بار مقابل شرکت دست به اعتصاب و تجمع زدند. شرکت حفاری به بهانه تحریم و عدم فروش نفت، فعالیت بخشی از دکل های نفتی را متوقف و تصمیم به اخراج دستجمعی کارگران گرفته است. بنا به اظهارات کارگران حدود ۶۰۰ کارگر قرار است اخراج شوند.

رژیم اسلامی از یکسو با واگذاری سهام شرکتها و صنایع دولتی و وابسته به سازمان تامین اجتماعی به بازار بورس تحت عنوان خصوصی سازی، موقعیت شغلی کارگران را زیر سوال میبرد و آنها را بین کارفرمایان و خودیها تقسیم میکند و از سوی دیگر به بهانه تحریم اقتصادی سیاست اخراج و بیکارسازی دستجمعی را در صنایع مختلف در دستور گذاشته است. از هر سو کارگران و خانواده هایشان باید با فقر و بیکاری بار بحران اقتصادی را بدوش بکشند. کارگران برای دفاع از موجودیت و کار و آینده خود راهی جز اعتراض و

شکنجه و قتل ۲۳ کارگر افغانستانی توسط مرزبانان رژیم اسلامی!

جمهوری اسلامی یک حکومت فاشیستی است!

درخور نشان دهند. این کیس را باید بعنوان یک پرونده قتل عام در رسانه ها و افکار عمومی همه جا طرح کرد و برای تشکیل پرونده و شکایت در دادگاههای بین المللی و هر اقدام دیگر تلاش کرد. جمهوری اسلامی را بعنوان یک حکومت فاشیستی قاتل کودکان و مردم بی دفاع همه جا باید به افکار عمومی پیشرو در جهان معرفی کرد.

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۱۳ اردیبهشت ۱۳۹۹ - ۲ مه ۲۰۲۰

اعلامیه حزب کمونیست کارگری - حکمتیست



رفیق علی

عجمی

زندگی را به

درود گفت!

با کمال تأسف خبر کوتاه و تکان دهنده درگذشت رفیق علی عجمی را دریافت کردیم. مرگ نابهنگام او باورنکردنی است. رفیق علی از نسل جوان پرشور دهه هشتاد شمسی در دانشگاه، از پیام آوران جسور آزادی و برابری بود. در آن سالها به همراه همزمانش در تشکل دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب یا ابتکارات و خلاقیت و جسارت ارتجاع حاکم را به مصاف طلبیدند. ورق را به نفع مبارزات آزادیخواهانه و برابری طلبانه در دانشگاه و در سطح جامعه برگرداندند. جریانات راست را در دانشگاه به حاشیه راندند و پرچم سرخ آزادی و برابری را برافراشتند. سیمای جسور او پای بنر بزرگ آزادی و برابری در دانشگاه تهران باز هم الهام بخش مبارزان راه آزادی و برابری و رهایی انسان از نکتب سرمایه داری است. بدلیل مبارزات آزادیخواهانه اش رفیق علی به زندان افتاد. شکنجه ها و آزار و اذیت فراوان را به جان خرید. بر اهداف و آرمانش پایبند ماند. تا روز مرگ نابهنگام در راه رهایی انسان از استثمار و ستم و تبعیض، برای ایجاد دنیای بهتر مبارزه کرد.

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست عمیقاً در اندوه از دست دادن رفیق علی عجمی شریک است. با خانواده و بستگان و دوستان و رفقا و همزمان دوره های مختلف مبارزاتش اعلام همبستگی و همدردی میکند و صمیمانه تسلیت میگوید. یادش را با پافشاری بر اهداف انسانی و مبارزاتی اش گرامی میداریم!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۱۹ اردیبهشت ۱۳۹۹ - ۸ مه ۲۰۲۰

بنا به اخباری که امروز شنبه دوم مه، در سایتها و رسانه های اجتماعی منتشر شد، چهارشنبه شب و بدنبال باز شدن موقت مرزها، تعداد ۵۰ الی ۵۷ نفر از کارگران افغانستانی که بخشاً قبل از بحران کرونا اجازه کار و اقامت در ایران را داشتند، از مرز "تورغندی" وارد ایران میشوند. همان شب مرزبانان جمهوری اسلامی این کارگران مهاجر را دستگیر و زندانی میکنند. بنا به اظهارات چند نفر از این مهاجرین در گفتگو با رسانه ها، نیروهای مرزبانی جمهوری اسلامی آنها را بشدت مورد ضرب و شتم قرار داده و شکنجه میکنند. روز بعد آنها را دستجمعی با ماشین به لب رودخانه مرزی "هریرود" می آورند، آنان را کاملاً لخت کرده و بزور به آب می اندازند! متأسفانه بدلیل عمیق بودن رودخانه دستکم ۲۳ نفر از آنان غرق میشوند و مابقی خود را از آب بیرون می کشند. تعدادی از این مهاجرین نوجوان بودند و یکی از غرق شدگان ۱۱ ساله بوده است. یکی از شاهدین این توحش میگوید: "از ۵۰ نفر از همسفرانش فقط ۲۰ نفر زنده ماندند" و مابقی را نیروهای نظامی جمهوری اسلامی به زور به آب انداخته و همه غرق شدند. بنا با اخبار تاکنون هفت جسد از آب گرفته شده است.

رفتار جمهوری اسلامی با مهاجرین افغانستانی از جنس رفتار دولت اسرائیل با فلسطینیان و آلمان هیتلری با یهودیان است. کارهایی که داعش میکند، بسیار زودتر در ایران توسط جمهوری اسلامی علیه مهاجرین افغانستانی و زندانیان صورت گرفته است. از یکسو با استثمار شدید و دستمزد بسیار نازلتر از کارگران متولد ایران، کارگران افغانستانی را بکار وادار میکنند و از سوی دیگر از بدیهی ترین حقوق مانند اجازه اقامت، حق تحصیل، حق ازدواج، پذیرش در بیمارستان و غیره محروم میکنند. با شیوع کرونا این مهاجرین بی پناهترین بخش جامعه بودند که تعدادی راساً برگشتند و بخش زیادی توسط جمهوری اسلامی به افغانستان دیپورت شدند. و اکنون دستجمعی شکنجه و تاراج میشوند و به روش فاشیست ها به رودخانه انداخته میشوند.

جمهوری اسلامی با تبلیغات مستمر فاشیسم ضد افغان و تحریک روحیات عقیمانده و ارتجاعی ناسیونالیسم ایرانی، همواره تلاش کرده است سپر دفاعی برای جنایات خود علیه شهروندان افغانستانی درست کند. هر نوع سکوت در قبال این اقدام جمهوری اسلامی میتواند به معنی چراغ سبزی به حکومت برای تکرار این اقدامات جنایتکارانه باشد که دودش به چشم کل طبقه کارگر و مردم آزادیخواه خواهد رفت. این اقدام جمهوری اسلامی در زمره جنایات جمعی علیه مردم بی دفاع است. دست زدن به قتل عام آگاهانه مردم محروم صرفاً بخاطر محل تولد آنهاست و باید بعنوان یک حرکت فاشیستی کثیف توسط هر کسی محکوم شود.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست این عمل جنایتکارانه و انزجارآور و کثیف فاشیستی نیروهای جمهوری اسلامی و قتل عام عامدانه مهاجرین افغانستانی را قویاً محکوم میکند و از مردم آزادیخواه ایران و بویژه بخشهای مختلف طبقه کارگر میخواهد به آن واکنش

قطره ای در مقابل دریای محبت!

سعید آرمان



احزاب کمونیست کارگری عراق و کردستان که در این مدت محبت کرده‌اند و صمیمانه جویای حال من بوده‌اند بسیار سپاسگزارم.

در این مدت پیامهای محبت آمیز و دلگرم کننده فراوانی از طریق تلفن، مسنجر فیس بوک و کامنتهای زیادی دریافت کرده‌ایم که متأسفانه به

دلیل لطمات دوران بیهوشی و بستری شدن در بیمارستان و طی کردن دوران نقاهت قادر به پاسخگویی به این دریای محبت شما عزیزان نبوده‌ایم، پیشاپیش پوزش میطلبم.

و در پایان رو به شما رفقا و عزیزانی که در بالغ بر چهار دهه تاریخ پر افتخار مشترک مبارزه کمونیستی و دفاع از انسانیت را در کارنامه داریم، بگویم که ممنونم از یکایک شما عزیزان که در دنیای مجازی و از طریق کانالهای متعدد ارتباطی جویای حال ما بوده‌ای و نگران سرنوشت من در نبرد با ویروس و اقعاً کشنده کرونا بودید، عمیقاً سپاسگزارم.

از طرف خانواده‌ام در ایران و همسر و دخترم لارینا مراتب قدردانی را از همه محبت‌هایتان داریم. آنان روزهای سخت اما در عین حال بسیار آموزنده را سپری کردند.

یکی از دوستانم در مکالمه‌ای کوتاه گفت: "سعید چکار کردی بابا اشک همه رو در آوردی، من هم در پاسخ به شوخی گفتم، میبخشید کرونا گرفتم و باعث رنجش شما عزیزان شدم". درد و رنج واقعی را از نظر من همسر، خانواده و بستگان و رفقای عزیزی کشیدند که ده‌ها سال با هم در یک سنگر مبارزه کرده‌ایم و چشم براه بودن تا از بخش مراقبتهای ویژه بیرون بیایم.

نوامبر ۲۰۱۷ رفیق گلزار محمد رفیق عارف از رفقای نازنین کمونیست که از بالغ بر سه دهه قبل افتخار آشنایی با او را در سلیمانیه داشتم متأسفانه در تورنتو در اثر تصادف ماشین جان عزیزش را از دست داد و مایه نگرانی عمیق همه ما شد. در مراسمی که در گرامیداشت رفیق در دانشگاه لندن برگزار شد، سخنان کوتاهی را در تجلیل از او ایراد کردم و در آخر به رفقای حاضر در جلسه گفتم: "رفقای عزیز مواظب خودمان باشیم نه تنها به خاطر خودمان فقط بلکه به خاطر کسانی که از فقدانمان رنج می‌برند".

عزیزان! پیشاپیش عذرم را پذیرا باشید به خاطر تاخیر در این یادداشت و عدم پاسخگویی به یکایک پیامهای محبت آمیزتان و کامنت‌هایتان و یادداشت‌هایی که در مورد من نوشته‌اید. کرونا ضربات سختی بر جسم انسان وارد میکند و من نیز در حال ترمیم این ضایعات هستم.

در آغوشتان میگیرم، می‌بوسم و امیدوارم شما و بستگان عزیزتان از ویروس کرونا و هر نوع مریضی دیگر مصون بمانید.

... "زندگی گرمی دل‌های بهم پیوسته است، تا در آن دوست نباشد همه درها بسته است"... فریدون مشیری

زنده باشید.

درود بی پایان به یکایک شما عزیزان در هر کجای این کره خاکی که هستید. تونل مرگ را که ویروس کووید ۱۹ تدارک دیده بود، به همت و جانفشانی تیم پزشکی و کادر درمانی بیمارستان "سنت توماس لندن" طی کردم و یک بار دیگر به زندگی ارزشمند در کنار شما عزیزان لبخند زدم. در این دوران سخت غیر قابل وصف وجود اقیانوس عشق و محبت، همکاری و ایستادگی در کنار خودم و همسر عزیزم چیمین جلوه‌های شورانگیزی از عمق انسانیت و دوستی بی شائبه را نمایش گذاشت. البته جز این انتظار دیگری نمیشد داشت. مبارزه کمونیستی که بالغ بر چهار دهه گذشته مشعل راه زندگی ما بوده است، در چنین روزهایی خود را اینچنین زیبا نمایان میکند.

بگذارید ابتدا از دوست عزیزم دکتر راحله توانا فرد شروع کنم که با دانش و درایت پزشکی و در اوج مدبری و احساس مسئولیت روزهایی که من در بخش "آی سی یو مراقبتهای ویژه" بیمارستان با مرگ دست و پنجه نرم میکردم روزانه چندین بار با تیم پزشکی معالج من در تماس بود و در زنده ماندن من و کسب اخبار روزانه از وضعیت جسمی من، نقش بی‌نهایت موثری را ایفا نمود. راحله عزیز به شما مدیونم و مایه افتخاری. از بهزاد جواهری عزیز و دلسوزم رفیق دیرین و همسر دکتر راحله توانا فرد که دلواپسی اش حد و مرز نداشت. به قول راحله که گفت "وقتی تو را بردن آی سی یو بهزاد مثل گچ سفید شد و نمیدانست چکار بکند" و همچنین از جمال کمانگر عزیز که همچون ستونی سترگ همراه با نهال عزیز از لحظات اول مبتلا شدنم به کووید ۱۹ در کنار من و چیمین عزیز از لحاظ فکری و روحی ایستادند و به اشکال مختلف سازمان و تسهیلاتی را فراهم کردند که با کمترین آسیب این دوران را سپری کنیم.

جا دارد از حمایت‌های بی دریغ رفقای عزیز فرهاد و فریده رضایی، محمود سلیمی از فریبرز سلطانی عزیز سرشار از مهر و احساس مسئولیت و نوری بشیر رفیق و همسنگر ده‌ها ساله مبارزه کمونیستی از عراق تا بریتانیا و دوست پرستار مهربان و دلسوز خانم بیگمرد مریوانی (بیگمرد) و خیلی‌های دیگر که در اینمدت همسر عزیزم را با دیواری از حمایت عاطفی، انسانی و معنوی و با ایجاد سازمانی جهت اطلاع رسانی و به روز کردن دوستان و اعضای خانواده‌ام در ایران، عراق، سوئد، بریتانیا و سایر کشورهای اروپایی بار سنگین نگرانی را بر دوش آنان سبک کردند. پیامهای روزانه رفیق جمال کمانگر که بعد از کسب آخرین گزارش پزشکی دکتر راحله عزیز به همه جا ارسال می‌شد و شبکه وسیعی را در بر می‌گرفت، سرانجام خبر خوب بیرون آمدن از بخش مراقبتهای ویژه و فائق آمدن بر کووید ۱۹، را در روز ۱۸ آوریل به همه مخابره کرد.

از رفقای هیئت اجرای و دفتر سیاسی حزب حکمتیست که در اینمدت همراه با رفیق جمال کمانگر دبیر کمیته مرکزی در تماس بوده و اقدامات لازم را در حمایت از من و همسر انجام داده‌اند، سپاسگزارم. از رفقای و همسنگران قدیمی در احزاب و سازمانهای مختلف و

نماز جمعه،

چشم در آوردن و جهش اقتصادی!

آذر ماجدی

دو هفته پیش روحانی در یک جلسه داخلی حکومتی گفت: "حتی اگر دو سه میلیون هم بمیرند، اقتصاد باید راه بیافتند" چون بیکاری مثل "یک بمب ساعتی" به انفجار عظیم اجتماعی - سیاسی منجر خواهد شد. چند روز بعد اعلام کردند که نماز جمعه ها در نزدیک به دویست شهر دوباره راه خواهند افتاد؛ دو رو پیش خامنه ای سخنرانی کرد، یک مشت دروغ و چرب زبانی آخوندی تحویل کارگران داد؛ یک چاقوی دولبه نثار کارگران کرد: از یک سو مثلا از کارگان تعریف و تمجید کرد که همیشه اولین فشری بودند که از "انقلاب اسلامی" حمایت کرده اند و سپس به صحرای کربلای جهش اقتصادی زد. یعنی هم سعی کرد دلشان را بدست بیاورد و هم کوشید شرایط را برای تحمیل یک بیگاری بمراتب شدید تر آماده کند.

در این میان محبوب این مهره اصلی حکومت اسلامی درون کارگران یک نامه باصطلاح اعتراضی به مصوبه افزایش دستمزد تنظیم کرد که به کمک عناصر خانه کارگر، این بازوی جمهوری اسلامی درون کارگران، و تعدادی توده ای - اکثریتی و "چپ های قانونی" در عمل مدافع رژیم، به جمع آوری امضاء مشغول شدند.

پس از آن خبری را با آب و تاب درباره درآوردن دو چشم یک زن که فی الحال به ده سال زندان بخاطر اسید پاشی به صورت شوهرش محکوم شده بعنوان قصاص اسلامی که همه باید از آن بیاموزند منتشر کردند.

این رویدادهای مدیریت شده از نوع اسلامی طی چند هفته اخیر است. پشت این اخبار و تصمیمات چه حقیقتی خوابیده است؟ جمهوری اسلامی در هراس از شورش طبقه کارگر و مردم فقیر زده و بجان رسیده می کوشد خود را قدر قدرت نشان دهد و با ایجاد هراس در دل مردم جا پای خود را محکم کند. از یک سو مقداری دروغ بشیوه اسلامی آخوندی تحویل کارگران می دهند؛ به کمک بازوی سرکوب شان در میان طبقه کارگر، خانه کارگر، و جریانات توده ایستی - اکثریتی رئیسی جلاد را بعنوان حامی کارگران در بوق و کرنا می کنند؛ از سوی دیگر با تمام قوا یورش می آورند.

نماز جمعه یعنی "ما هستیم و قدرتمندیم!" قصاص اسلامی برای هراس انداختن در دل میلیون ها انسان است و اعلام اینکه رژیم اسلامی یک قدم از سرکوب و کشتار و جنایت عقب ننشسته است و با تمام قوا سرکوب می کند و از حاکمیت خود با چنگ و دندان دفاع می کند. وگرنه چه ضرورتی دارد که در این شرایط بحران کرونا و فقر و گرسنگی یک پرونده قدیمی را بیرون بکشند و تصمیم به اجرای قصاص اسلامی بگیرند؛ بویژه در مورد یک زنی که در واکنش به ستم های شوهرش به او اسید پاشیده است؛ خودشان خوب می دانند که مساله زن و ستمکشی زن در جامعه و در عرصه بین المللی با چه عکس العمل تنندی مواجه می شود؛ آیا عقلشان کم است؟ آیا فقط از عشق به

اسلام چنین تصمیمی گرفته اند؟ آیا دعوای جناحی چنین تصمیمی را واجب کرده است؟

خیر! هیچیک از این دلایل موجب اتخاذ چنین تصمیمی نشده است. اتفاقا عقل شان خوب می رسد و در مورد حفظ حکومت به هر قیمت و دزدی و چپاول و جنایت هیچ اختلاف جناحی با یکدیگر ندارند. آگاهانه دارند هیاهو سالاری می کنند. با یک تیر دو

نشان می زنند. توجه ها را به قصاص یک زن ستمدیده جلب می کنند تا بتوانند امور مهمترشان را پیش ببرند و در عین حال از جامعه زهر چشم بگیرند. این تصمیم یک تصمیم کاملا حساب شده سیاسی است؛ یک تاکتیک سیاسی - ایدئولوژیک حساب شده است.

در پس این تهاجمات و چرب زبانی برای کارگر، از جمله تکرار اراجیف چهل سال پیش: که "مجد دست کارگر را بوسیده است" یک تلاش مذبحانه برای راه اندازی اقتصاد بحران زده به قیمت کشتار چند میلیون کارگر خوابیده است. اما آگاهند که قادر نیستند با این اراجیف طبقه کارگر را به بیگاری و بردگی بکشند، لذا چماق سرکوب را با وقاحت کامل در هوا می چرخانند. فرار بجلو و هیاهو سالاری سیاست شناخته شده جمهوری اسلامی است. این سیاست تاکنون جمهوری اسلامی را از سقوط و سرنگونی نجات داده است.

باید این رژیم را به زیر کشید. از لاعلاجی نباید تسلیم عوامفریبی ها و تلاش های مذبحانه از نوع خانه کارگری و توده ایستی شد. این رژیم جز جنایت و دزدی هیچ زبان دیگری سرش نمی شود. از هر روزنه ای دارند می چابند. حتی در این شرایط سخت و وخیم که مردم با گرسنگی دست به گریبان اند در روز روشن یک میلیارد یورو گم می شود و احدی به روی خود نمی آورد. تنها راه سرنگونی این نظام است.

تا زمانی که این رژیم بر جامعه حکومت می کند مردم یک نفس راحت نخواهند کشید و یک شب خواب خوش نخواهند داشت. این واقعیت امروز برای اکثریت جامعه روشن شده است. تحکیم صفوف مان، افزایش همبستگی و سازمانیابی تنها راه مقابله با این نظام است. برای حفظ خود و فرزندانمان باید صفوف مان را فشرده تر سازیم و برای مقابله با کلیه تمهیدات این نظام بسیج و آماده شویم. سرنگونی و بدست گرفتن قدرت بدست خود تنها پاسخ تمام دردهای لاعلاج اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مان است. مبارزه برای ایجاد شوراهایمان را باید در راس فعالیت هایمان قرار دهیم. جمهوری اسلامی نخواهد توانست در مقابل طبقه کارگر آگاه و متشکل دوام آورد. مصون داشتن صفوف مان از پراکندگی و فشرده کردن صفوف مان درون تشکلات واقعی مان، شوراهای، راهی موثر و کارا در مقابله با جمهوری اسلامی است.*

منصور حکمت را بخوانید و به دیگران معرفی کنید!

<http://hekmat.public-archive.net>
www.hekmat.com



عراق: کابینه "بحران در بحران" مصطفی الکاظمی

فاتح شیخ

شریک در کابینه جدید مستقیماً مسئول قتل بیش از ۷۰۰ قربانی و زخمی شدن بیش از ۲۷۰۰۰ انسان در جریان اعتراضات همین چند ماه اخیر بوده اند و کاظمی در سخنان دیشب "تعهد" داد که آن مسئولان را تحویل دادگاه دهد. در اینکه او بتواند به چنان تعهدی عمل کند تردید جدی باید داشت، اما تردیدی نباید داشت که توده های بپاخاسته از خواست محاکمه و مجازات قاتلان عزیزانشان کوتاه نخواهند آمد.

امروز بیش از ماهها و سالهای پیش روشن است که سرنوشت جنبشهای اعتراض توده ای تا تحقق رهایی در دو جامعه عراق و ایران در هم تنیده است. از امروز به بعد هم مانند گذشته تحول اوضاع در عراق درگیر بحرانهای مرکب را باید با احساس هم سرنوشتی کارگران و توده های محروم هر دو جامعه پی بگیریم. بیگمان پی خواهیم گرفت.

پنجشنبه ۷ مه ۲۰۲۰ / ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۹

تأمین حق سلامتی و وظیفه دولت است!

بهداشت جسمی و روانی، طب رایگان و برخورداری از تست مرتب پزشکی یک امتیاز طبقات دارا نیست، جزو حقوق پایه شهروندان است. دسترسی به اطلاعات معتبر و علمی در باره سلامت حق شهروندان است. دادن اطلاعات مرتب به جامعه توسط کادر پزشکی یک تعهد شغلی و یک وظیفه انسانی و علمی است. هر نوع امنیتی کردن این مسئله توسط دولت یعنی ممانعت از حق دانستن و اطلاع از خطر جانی، یعنی ارتکاب عامدانه دولتی برای تهدید سلامت شهروندان. کور کردن ارائه اطلاعات علمی و مال اندوزی از طریق احتکار نیازهای اولیه بهداشتی مردم یک عمل جنایتکارانه است. دولت در قبال سلامت و بهداشت مردم مسئول است. وظیفه فوری دولت است که در وضعیت ویژه و بحرانی کنونی، بیدرنگ هرگونه خدمات پزشکی و داروئی را تماماً رایگان کند. سلامت و جان مردم نباید تجاری شود، جان قابل معامله نیست!

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

اسفند ۱۳۹۸

"پارلمان" عراق به مصطفی کاظمی و کابینه اش در آخر وقت دیشب رای داد. جلسه "پارلمان" ساعتها تاخیر شد تا احزاب حاکم بر سر تقسیم وزارتها چانه بزنند، به "توافق" برسند و نرسند. زمانی که در کردیورهای "پارلمان" ساخت و پاخت شبانه احزاب شریک حکومت مذهبی قومی جلو دید میدیا جریان داشت، در میدان تحریر بغداد جمعی از معترضان با آویختن تصاویر ضربدر خورده مصطفی الکاظمی، شعار "سقوط نظام طائفی" را فریاد میزدند. همزمان اعلام کردند روز یکشنبه دهم مه برای ابراز مخالفت با کابینه متشکل از احزاب شریک در حکومت سراپا فساد و جنایت تجمع اعتراضی برپا خواهند کرد. واضح است که میدان تحریر بغداد و میدانهای اعتراض شهرهای وسط و جنوب عراق بر اثر خطر کورونا از جمعیت خالی است و با تکیه به این اوضاع مصیبتبار است که احزاب حاکم کابینه جدیدشان را سرهم کرده اند تا شاید از پس بحران مرکب گریبانگیرشان برآیند. بحران سیاسی حاصل از خیزش وسیع اعتراضی، بحران اقتصادی ناشی از کاهش قیمت نفت به اضافه پیامدهای ناگزیر بحران اقتصاد جهانی توأم با پاندمی کورونا مجموعه بحرانهایی است که مجموعه هیات حاکمه عراق به اضافه دولت آمریکا و رژیم اسلامی ایران را ناگزیر کرده است که تن به کابینه متزلزل دیگری بدهند که نخست وزیر آن مصطفی کاظمی برای رویارویی با معضلات بسیار حادثتر و پیچیده تر از سابق، از نخست وزیر سابق عادل عبدالمهدی، ملزومات حکومتی کمتری در اختیار دارد. کابینه مصطفی کاظمی در زمین سخت اوضاع کنونی عراق در واقع کابینه بحران در بحران است. دولت / کابینه دوره بحران ناگزیر است تن به کارهایی بدهد متفاوت با کارهای همان دولت / کابینه در دوره اصطلاحاً متعارف، با این یادآوری ضروری که شش کابینه هفده سال گذشته عراق، که ششمین آن با ریاست مصطفی کاظمی امروز دست به کار شده، در مقایسه با دیگر دولت‌های بورژوازی منطقه، هیچیک متعارف نبوده اند.

در ارتباط با افت موقت خیزش اعتراضی اکتبر ۲۰۱۹ بر اثر خطر کورونا باید توجه داشت که این افت معین محدود به عراق نیست. خیزشهای اعتراضی در فرانسه، هنگ کنگ، ایران، لبنان، اردن و یک دوجین کشور دیگر هم از چنین افت ناگزیری لطمه دیده اند. اما از آنجا که تم مشترک و پایه بنیادی آنها اعتراض توده های به جان آمده به فقدان معیشت، بیکاری و سرکوب آزادیهای سیاسی و مدنی است، به ویژه با اضافه شدن پیامدهای سهمگین بحران اقتصادی ۲۰۲۰ که جهان را فراگرفته، گمانی نیست که از سر گرفته خواهند شد. همین دیشب بود که نمایندگان معترضان میدان تحریر بغداد با فراخوان تجدید تجمع اعتراضی در یکشنبه آتی سوت از سرگیری خیزش را به صدا در آوردند. کار دشوار مصطفی کاظمی و کابینه سرهم بندی شده اش از همین امروز شروع شده است. اولین دشواری پاسخگویی به انفجار انزجار انباشته شده توده های بپاخاسته ای است که بعضی از احزاب

یا کار یا بیمه بیکاری! بیمه بیکاری مکنی برای تمام افراد آماده به کار!

کارگران و تحریم اقتصادی

(در رابطه با نوشته جوانمیر مرادی)

رحمان حسین زاده

اخیرا نقد کوتاهی بر قطعنامه ای به امضای ۱- انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه، ۲- سندیکای نقاشان البرز، ۳- کانون کارگران ساختمانی کردستان، ۴- گروهی از کارگران و فعالین کارگری سقز نوشتم. جوانمیر مرادی از فعالین انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه، عجولانه و بدون تعمق کافی با ادبیاتی به شدت نازل و سطحی و زمخت ظاهرا به نقد من جواب داد. شتابزدگی ایشان در کارش به نحوی بود، چند ساعت بعدتر مجبور شد، نسخه اولیه نوشته اش را اصلاح کند و موردی از شانناژ و ادبیات به شدت زننده اش را درز بگیرد و اسم آن را بگذارد، "متن اصلاح شده". اما متن اصلاح شده اش هم به قول معروف "عذر بدتر از گناه" به جای دو کلمه حرف حسابی، آکنده از فضا سازی و حاشیه سازی و ادعاهای سبک که نه تنها شایسته بروزش از جانب کسی نیست که خود را "فعال کارگری و سوسیالیست" معرفی میکند، بلکه بیان آن کسر شأن هر شهروند مسئول و متعهد در قبال گفته ها و اعمالش است. هر انسان منصفی با مطالعه نقد من و جوابیه ایشان متوجه فضا سازی فرقه ای گونه و متعصبانه او شده، و ادبیات زشت او را به حاشیه میراند و من هم همین کار را میکنم و بر محورهای اصلی مورد اختلاف متمرکز میشوم.

در شروع این مطلب تاکید می‌کنم بر اینکه، چنانکه در نوشته ای به امضای فردی جوانمیر مرادی آن دو محور سیاسی مورد انتقاد می‌آید، به نظرم آن جایگاه را نمیداشت، که به آن بپردازم. مساله من و به نظرم هر فعال دلسوز جنبش کارگری اینست، آن لغزشهای سیاسی، طبقاتی قابل نقد در قطعنامه ای به امضای "سه نهاد و گروهی از کارگران سقز" منتشر شده در مناسبت اول مه حاوی نگرش غلطی بود که سالهاست در جنبش کارگری به این شکل بروز پیدا نکرده است. شاهد این ادعای من شفافیت دیگر قطعنامه های کارگری امسال و سالهای قبل در مناسبت اول مه است. لذا بسیار حیف است بار دیگر و در قالب "قطعنامه کارگری" نگرش غیرکارگری و بورژوازی مجدداً به میان جنبش کارگری انتقال داده شود. اکنون هم که این بحث را ادامه میدهم، اساساً مخاطب کارگران و به ویژه کارگران همان نهادهای امضا کننده آن قطعنامه است، که بدون حساسیت و دقت کافی سیاسی و طبقاتی امضا پای چنین سندی گذاشته اند. امیدوارم آن دوستان چشم و گوششان را مثل "جوانمیر مرادی" نبندند، به این نقد مطرح شده توجه کنند، برای تدقیق دیدگاهشان تلاش کنند و یا اگر حرف جدی برای گفتن دارند، به شیوه متین و سالم مطرح کنند.

اکنون بر چهارچوب نقد بر قطعنامه مورد اشاره و در رد حاشیه سازیها و دفاعیات راست روانه جوانمیر مرادی مکتبی داشته باشیم.

در یادداشت قبلی نقد را بر دو محور از پاراگراف قطعنامه مورد اشاره متمرکز کردم. قطعنامه چنین میگوید "در مدت چهل و یک سال گذشته مردم ایران به خاطر وجود باندهای مافیائی، رانت خواری و زدبیهیهای سازمانیافته، ثروت و اموال اجتماعی غارت و چپاول گردیده است. پولهای سرسام آوری هزینه بنیادها و مؤسسات زائد، هزینه آخوند پروری هم برای داخل و هم برای کشورهای منطقه و آسیای شرقی و آفریقا شده است. منابع مالی عظیمی مدام صرف نیروهای نیابتی و هم پیمانان حکومت در سوریه، عراق، لبنان و یمن و غیره گردیده است. به خاطر ماجراجویی های سران، تحریم اقتصادی بر کشور تحمیل گردیده و به همین خاطر برای مردم جامعه امکان برخورداری از یک زندگی حداقلی و حتی بخور و نمیر باقی نمانده است. طبق اظهارات سران دولت و حکومت قرار است به فرصتی برای وادار نمودن دولت آمریکا به لغو تحریم ها، نه برای هزینه معیشت مردم، بلکه برای مقاصد خود تبدیل کنند."

هر فعال آگاه متوجه است، آن لغزشهای سیاسی و طبقاتی مورد نقد من، در این پاراگراف به هم متصل بیان شده و بر خلاف جعل گویی جوانمیر مرادی برش دلبخواهی صورت نگرفته است. کسانی که با نقد و بررسی اعلامیه یا نوشته ای آشنا کنید، درک میکنند که لازم نیست کل آن نوشته را دوباره نقل کرد، مگر این بدعت تازه را تازگیها جوانمیر کشف کرده باشد. از این ادعاهای حاشیه ای بگذریم توضیحات بیشتری بر دو محور مورد نقد را ضروری میدانم.

الف- تحریم اقتصادی و نحوه برخورد به آن: سیاست تحریم اقتصادی اقدامی جنایتکارانه در دست دولت آمریکا و متحدان جهانی اش است که هر جا منفعت و مصلحتشان ایجاب کند در کشمکشهای خود با همپالگهایشان یعنی دولتهای ارتجاعی و سرکوبگری که با سیاست آمریکا و غرب خود را هماهنگ نمیکند، اعمال میشود. در خاورمیانه در دهه نود میلادی علیه رژیم فاشیست بعث و بعد سالهاست علیه هیات حاکمه سراپا جنایتکار جمهوری اسلامی اعمال شده است. در سطح جنبشها و نیروهای سیاسی اپوزیسیون قبلاً در عراق و اکنون در ایران، به طور کلی و در سطح ماکرو دو نوع برخورد به این قضیه شده است. تقریباً همه جنبشها و نیروهای راست و پروغربی و بورژوازی اعم از قومی و مذهبی و فرقه ای از سیاست جنایتکارانه تحریم اقتصادی دفاع کرده اند. به این دلایل که اولاً بنا به محاسبه گری ضد انسانیشان این سیاست جنایتکارانه را در راستای جابجایی قدرت از بالا و به اصطلاح "رژیم چنج" و در انطباق با اهداف ارتجاعیشان در جهت نزدیک شدنشان به قدرت میدانند. ثانیاً جنبشها و جریانهای بورژوازی و ارتجاعی در پروسه جابجایی قدرت، مطلوبشان اینست که کارگر و مردم "مستاصل و فقیرزده، چشم به بالا دوخته، در صحنه تحولات سیاسی بی نقش و بی اراده و نظاره گر باشند" به همین دلیل جبهه متنوع ارتجاع بورژوازی از مجاهد و ناسیونالیستهای سلطنت طلب و شورای گذار و فدرالیستهای قوم پرست و جریانهای ناسیونالیست کرد بی پرده از تحریم اقتصادی و با همین استدلال "ماجراجوییهای نظامی سران رژیم" دفاع میکنند. نقطه مقابل آنها هر کارگر و انسان پا روی زمین و ضد فقر و گرسنگی میداند، محصل عملی تحریم اقتصادی چیزی

کارگران و تحریم اقتصادی ...

مقابل این اتهام لازمست به او یادآور شد، رحمان حسین زاده و جنبشی که او به آن متعلق است، بیرون از دنیای تعصب و فرقه ای امثال ایشان از زیر بته و همین دیروز پیدا نشده اند. سالهای سال و اکنون هم روزمره در مورد سیاست و مبارزه علیه جمهوری اسلامی از جمله در مقابله با خطر کرونا پلاتفرم و خط مشی سیاسی و عملی روشنی داشته و اجرا کرده اند. این اتهامات زمخت غیر از سبک کردن خودشان، نمیتواند دفاع تاسف بارشان از سیاست جنایتکارانه تحریم اقتصادی را پرده پوشی کند. نتیجه گیری پایانی نوشته جوانمیر مرادی حمایت راست روانه زمخت و صریح او از تحریم اقتصادی است. در این پاراگراف پایانی نوشته او خطاب به من دقت کنید.

"شما همچنان خواهان رفع تحریم برای سرازیر شدن به جیب سران و مقامات و هم پیمانانشان باشید. اما ما با افتخار اعلام می کنیم که خواهان رفع تحریمها برای هزینه شدن در چنین مسیرهایی نیستیم. ما قاطعانه خواهان لغو تحریم های اقتصادی و هزینه شدن آن برای رفاه جامعه تحت نظر سازمانهای بین المللی و مدافع حقوق انسانی هستیم".

تکرار اتهام بی پایه علیه ما و کارگران آگاه و نیروهای رادیکال و سرنگونی طلب مخالف تحریم اقتصادی، که گویا خواستار آنیم "رفع تحریم برای سرازیر شدن به جیب سران و مقامات و هم پیمانانشان" باشد چنان پوچ و زننده است، احتیاجی به پاسخ نیست. نکته قابل توجه که آن را در میان کلمات و عبارات ظاهرا عامه پسند پیچانده، اینست "اما ما با افتخار اعلام می کنیم که خواهان رفع تحریمها برای هزینه شدن در چنین مسیرهایی نیستیم". معنای عملی حرف این دوست "بسیار رادیکال ما" اینست در شرایط موجود و به بهانه وجود جمهوری اسلامی، خواهان ماندگاری تحریم اقتصادی و با همین منطق مدافع جاری بودن آن در بیست و پنج سال گذشته بوده و به زعمشان آن را در راستای تضعیف سیستم حاکم و خلاصی از وضع موجود میدانند. اما همانطور که بالاتر اشاره شد، همه شواهد عینی و واقعی نشان میدهد، جمهوری اسلامی بیشترین استفاده برای تداوم تعرض معیشتی و حتی سرکوبگری به بهانه "تحریم هستیم" را کرده و مهتمتر فشار سنگین ناشی از تحریم، دودش مستقیما در چشم کارگر و مردم رفته است. اما "دوست رادیکال ما" راه حل "قاطعانه ای" برای رفع تحریمها پیشنهاد میکند. دوباره دقت کنید. "ما قاطعانه خواهان لغو تحریم های اقتصادی و هزینه شدن آن برای رفاه جامعه تحت نظر سازمانهای بین المللی و مدافع حقوق انسانی هستیم". عجب "راه حل پراتیکی"! که تاکنون به عقل کسی نرسیده است! به این دوست "قاطع" باید گفت حیف که دو دهه است، این راه حل راهگشا را از جامعه و مردم دریغ کرده اید! شاید زودتر با طرح و اجرای این ابتکارشان مردم از رنج تحریم و جمهوری اسلامی همزمان نجات پیدا میکردند. مانده ام برآستی چه بنویسم! شاید باید پرسید شما که زیادی طرفدار رفتار و گفتار "غیر کتابی" و زمینی هستید. واقعا پایت روی زمین است؟ واقعا و صمیمانه میپرسم، "سازمانهای بین المللی و مدافع حقوق انسانی" مورد نظر شما با چه مکانیسمی جمهوری هار و به شدت سرکوبگر جمهوری اسلامی را خنثی میکنند، تا لغو تحریمها را جلو چشمان سران جنایتکار رژیم مستقیمان اجرا کنند؟ با دیالوگ انتقادی رژیم را قانع میکنند؟ شدنی است؟ در دوره خاتمی تجربه شد، جواب نداد! احتمالا بگوید با فشار افکار عمومی جهانی مجبورش کنند! این روش هم در همین شرایط سخت کرونا زدگی جواب نداد و این رژیم سفاک حتی سازمان پزشکان بدون مرز را هم تحمل نکرد. نهایتا امیدوارم طرفدار این نباشد که سازمانهای جهانی مورد نظرش با اتکا به "گزینه نظامی" جمهوری اسلامی را چنان به حاشیه برانند، که نظاره گر

جز به گرو گرفتن نان و زندگی کارگران و مردم تحت فشار، تحمیل فقر و استیصال و تقلایی ضد انسانی برای سلب اراده مردم نیست. این پدیده تلخ را کارگر و مردم و نیروهای کمونیسیت و رادیکال عراق در جریان تحریم اقتصادی آمریکا و غرب از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۳ میلادی با گوشت و پوست لمس کردند. فقر و گرسنگی و فقط در یک قلم مرگ نزدیک به یک میلیون کودک را با چشم خود دیدند. نزدیک به ۱۳ سال گرسنگی و فقر رنج و محنت به مردم عراق تحمیل شد. واقعه ضد انسانی "نفت در مقابل غذا" را اجرا کردند و همزمان رژیم فاشیست بعث به بهانه اینکه "تحریم هستیم" سرکوبگری و تعرض شنیع معیشتی و حاکمیت سیاه خود را ادامه داد و ارتجاع جهانی و محلی زمانی که دیدند، با اتکا به تحریم اقتصادی نمیتوانند "رژیم چنج" را به سرانجام برسانند، این بار به سیاست اشغال نظامی بر بستر بی اراده شدن مردم روی آوردند و نتیجه سناریو سیاهی شد که هفده سال است خون مردم عراق را در شیشه کرده اند. کارگران و مردم آزادیخواه در عراق و منطقه، و مشخصا در ایران در نتیجه آگاهگری صف آزادیخواهی و مشخصا فعالیت جنبش کمونیسیم کارگری این تجربه و خودآگاهی را بدست آوردیم که تحریم اقتصادی سیاست جنایتکارانه ایست که بی اما و اگر و بدون تبصره و هر نوع توجیه و قید و شرطی محکوم و مذموم است. اگر کسی و جریانی به نام کارگر و چپ اسیر موضعگیری "راست روانه و مصلحتی، یا فرقه ای بیمارگونه و ضد اجتماعی" نباشد، میتواند حرف و اعتراض کارگران در محیط های کار را بشنود که به طور عینی تبعات مخرب تحریم اقتصادی را لمس کرده که اولاً بهانه ای به دست صاحبان کار و جمهوری اسلامی داده برای تشدید اخراج دسته جمعی و بیکارسازی، زدن حقوق و مزایا، تحمیل دستمزد زیر خط فقر و نپرداختن دستمزدها به بهانه اینکه "تحریم هستیم". ثانیاً تحمیل این سیاست جنایتکارانه مستقیما مراکز کار را با مشکلات و محدودیتهای جدی در جریان تولید و مبادله کالا و تهیه قطعات و لوازم و مواد اولیه کار و نقل و انتقال کالا روبرو کرده است. تحریم اقتصادی آمریکا و غرب به بهانه رام نبودن دولتهای مستبد و مرتجع ضد انسان، در عراق و ایران و بالکان و هر جای دیگر در سه دهه اخیر یک سلاح کشتار جمعی و نسل کشی بوده و عملا پیش درآمد "گزینه نظامی" و تقویت آلترناتیو راست تا مغز استخوان مرتجع در این کشورها در راستای تغییر از بالا و "رژیم چنج" است. واضح است جبهه کارگر و آزادیخواهی و جنبش سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی، بی اما و اگر، بی قید و شرط و بدون هیچ تبصره ای این سیاست بیمارگونه را محکوم و مردود اعلام کرده و خواهان لغو آن است. در چنین فضایی و در شرایط وجود فاجعه کرونا، تاسف بار است قطعنامه ای به نام "کارگر و در مناسبت روز کارگر" سیاه روی سفید با مکتوب کردن تبصره "ماجرای بیبهای سران نظام" این سیاست را توجیه و به بهانه "سوء استفاده سران رژیم در راستای منافع خود" حتی از مطالبه لغو آن ناخشنود است. وقت خودش در عراق مشابه این موضع را بعضی ها از میان کارگران متأثر از حزب شیوعی عراق تحریم اقتصادی عراق را به بهانه "ماجرای بیبهای سران رژیم صدام در اشغال کویت" توجیه میکردند. تاسف بارتر اینکه جوانمیر مرادی به جای تعمق در نقد دلسوزانه و صمیمانه ای که شده، بدون بالانس، به جعل و وارونه گویی پناه برده، که گویا من نوشته ام "نولت و حکومت را رها کنند و با او به جنگ با آمریکا بخاطر اعمال تحریمهایش بروند". در

کارگران و تحریم اقتصادی ...

اکثریت آن، طی چهل و یک سال گذشته به طور وحشتناکی بدتر بوده است. کرونا آخرین بلائی است که تا به امروز توسط سیستم حاکم بر سر مردم آوار شده است. در مدت چهل و یک سال گذشته مردم ایران به خاطر وجود باندهای مافیائی، رانت خواری و دزدیهای سازمانیافته، ثروت و اموال اجتماعی غارت و چپاول گردیده است. پولهای سرسام آوری هزینه بنیادها و مؤسسات زائد، هزینه آخوند پروری هم برای داخل و هم برای کشورهای منطقه و آسیای شرقی و آفریقا شده است. منابع مالی عظیمی مدام صرف نیروهای نیابتی و هم پیمانان حکومت در سوریه، عراق، لبنان و یمن و غیره گردیده است. به خاطر ماجراجوئی های سران، تحریم اقتصادی بر کشور تحمیل گردیده و به همین خاطر برای مردم جامعه امکان برخورداری از یک زندگی حداقلی و حتی بخور و نمیر باقی نمانده است". (به نقل از قطعنامه ... خط تاکید از من)

پاراگراف نقل شده بالا نه فقط یک قسمت محدود آن که در نوشته قبلی من نقد کردم، بلکه خط به خط آن با تبلیغات و فرمولبندیهای اپوزیسیون بورژوا ناسیونالیستی مثل مجاهد و سلطنت طلب ها و شورای مدیریت گذار و ناسیونالیستهای کرد و کسانی مثل رضا پهلوی، سازگارا و نوریزاده و مهندی در برخورد به کارکرد سیستم حاکم و تحریم اقتصادی تفاوتی ندارد و طبعاً جای نقد جدی کارگری و سوسیالیستی است. من به منظور طولانی تر نشدن نوشته ام به همه اجزای آن، نه در مطلب قبلی و نه در اینجا وارد نشده و نمیشوم. در نوشته قبلی ام در مقابل بخشی از آن قطعنامه که با خط تاکید معلوم کرده ام این نقد را مطرح کردم. "در شروع این پاراگراف قطعنامه نقد خود را از سرمایه داری مستبد و خشن و ضد کارگر حاکم بر ایران، از جمهوری سرمایه اسلامی را به کارکرد "باندهای مافیائی، رانت خواری و دزدیهای سازمانیافته، ثروت و اموال اجتماعی غارت و چپاول گردیده است" تقلیل داده است. امیدوارم تهیه کنندگان قطعنامه بپذیرند، آنها که "ثروت و اموال اجتماعی" را در کنترل دارند، اقلیت انگل سرمایه داران و حاکمیت و دولت منبعث از آنها است و استبداد خشن شان در خدمت سازماندهی استثمار کار ارزان و کسب سود نجومی و انباشت سرمایه (و نه غارت) است".

در مقابل نقد من عکس العمل جوانمیر مرادی این بوده است. "مشکل اساسی رحمان حسین زاده آن است که از درک کارکرد متفاوت سیستمهای سرمایه داری در زمانها و مکانها و شرایط متفاوت ناتوان است. از نظر او در ایران یک سیستم متعارف از نوع بقیه سیستمهای استثمار گر در جهان حاکم است و فقط باید در آن چهارچوب مورد نقد و بررسی قرار داد. آنطور که پیداست از نظر وی نظام سرمایه داری کشور اروپایی ای که او در آن زندگی می کند با نظام حاکم بر ایران به یک نوع استثمار می کنند، به یک نوع سرکوب می کنند، به یک نوع جامعه را به فلاکت می کشانند و ده ها نوع برخورد مشابه هم با جامعه دارند. من از رحمان حسین زاده می پرسم که اگر وضعیت فلاکتبار امروز مردم ایران فقط به خاطر حاکمیت نظام سرمایه داری است، پس چرا در کشوری که شما زندگی می کنید، مردمش مانند مردم ایران تحت فشار گرسنگی نیستند، یا حداقل کمتر هستند؟ چرا دولت و سیستم حاکم بر کشوری که خود شما در آن پناهنده هستید، برخوردش مانند برخورد نظام حاکم بر ایران با کارگران افغانستانی در ایران نیست".

به ایشان باید یادآوری کنم از چهل سال قبل جنبش مارکسیسم انقلابی و بعداً کمونیسیم کارگری که من به آن متعلقم ضمن پافشاری بر ماهیت مشترک استثمارگرانه و ضد کارگری کلیه جناحها و بخشهای بورژوازی در سطح جهان و هر منطقه و کشوری، در عین حال با

اجرای لغو تحریم به دست آنها باشد. در دنیای مبارزه سیاسی، تشخیص تناسب قوا، حس تناسب و درک سلیم برای هر مبارز سیاسی قاعدتاً جایگاه جدی دارد. در این نوشته جوانمیر مرادی اثری از این خصوصیات نیست. از هر سر میبرسی پیشنهاد او زیادی پادروها است. درست مثل شعار رفراوندم زیر نظر سازمان ملل که از جانب جریانات راست و سلطنت طلب و ... مطرح میشد و چنان پرت و پادروها بود که در محافل سیاسی به جوک تبدیل شد. شخصاً متأسفم که یک فعال کارگری و یک انسان کارکن که شب و روز در آن جامعه فشار کار و زحمت و مبارزه را تحمل میکند، چنان غیر زمینی و غرق شده در مفروضات سطحی و محدود نگرانه و فرقه ای احتمالاً به کمک مشاوران سطحی تر و محدود نگرتر از خود، گیر کرده، که گفته و نوشته اش هیچ قرابتی با آنچه روزمره تجربه اش میکند، ندارد و بیشتر به گفته و کردار برخی (نه همه) افراد کم تجربه نوجوان چپ در ابتدای شروع زندگی و کار و مبارزه و سیاست شبیه است، که در فرهنگ سیاسی به "چپ مریخی" مشهورند. نمیخواهم از روی همین یک نوشته اش جوانمیر مرادی را در کاتالگوری "چپ مریخی" قرار دهم. تصور میکنم احساسات سطحی ناشی از اینکه انتظار نداشت قطعنامه مورد علاقه اش نقد شود، مقداری بر نوشته اخیرش سایه افکنده، امیدوارم روش برخورد این نوشته اش را ادامه ندهد. بلکه در این مباحث تعمق کند. دلسوزانه به او پیشنهاد میکنم به توجیه و ادامه تحریم اقتصادی با هیچ تبصره ای افتخار نکند. چون میدان بازی کارگر مبارز و حق طلب نیست. در این رابطه محصور به به گفتن های کامنت نویسان بی اصول قرار نگیرد. حیف است قاطی صحنه ای بشوید که کل اپوزیسیون بورژوازی به قیمت تحمیل تباهی و سیاهی بر جامعه صحنه گردان آن هستند. کارگران و جنبش کارگری و آزادیخواهانه آگاهانه در مقابل این صف باید بایستند.

ب- درک متفاوت از کارکرد سیستم سرمایه داری!

محور دیگر نقد من در نوشته قبلی این بود که آن "قطعنامه نقد خود را از سرمایه داری مستبد و خشن و ضد کارگر حاکم بر ایران، از جمهوری سرمایه اسلامی را به کارکرد "باندهای مافیائی، رانت خواری و دزدیهای سازمانیافته، ثروت و اموال اجتماعی غارت و چپاول گردیده است" تقلیل داده است. جوانمیر مرادی با برافروختگی ابتدا دست به تحریف زده که گویا نوشته ام آن قطعنامه "سیستم حاکم بر ایران را سرمایه داری نمیداند" و زحمت به خود داده و یادآوری میکند که در مقدمه قطعنامه شان "سرمایه داری جهانی را که سرمایه داری ایران هم جزو آنست" نقد کرده اند. باید بگویم خیر دوست غیرامانتدار، نقد من این نیست که شما سیستم حاکم را سرمایه داری نمیدانید! نه تنها کارگر و نهاد کارگری، امروزه همه شاخه های کوچک و بزرگ اپوزیسیون بورژوازی تا خود جمهوری اسلامی و جناحهای آن سیستم حاکم را سرمایه داری میدانند! نقد من جای دیگری است. با فضا سازی نمیشود آن را تحریف و به حاشیه راند. با پوزش از خوانندگان مجبورم بار دیگر آن پاراگراف مورد نقد من و مورد تایید جوانمیر مرادی از متن قطعنامه شان را اینجا دوباره نقل کنم تا شفافتر بحث را ادامه دهیم.

"اما در ایران شرایط زندگی برای مردم محروم و کارگران به عنوان

کارگران و تحریم اقتصادی ...

دقت و به روشنی کارکرد متفاوت سیستم سرمایه داری و ترندهای مختلف آن در کشورها و جغرافیاهای مختلف و به ویژه تفاوت کارکرد سرمایه داری در کشورهای پیشرفته صنعتی موسوم به غرب را از جمله با سرمایه داری حاکم در ایران تبیین کرده است. به آن سئوالات بجایی که در مورد شرایط متفاوت کار و زندگی در کشورهای غربی با ایران مطرح شده، پاسخ روشن داده است که در ادامه به آن میپردازم. اما پاسخ و تبیین عمیق و انقلابی و کارگری که درست نقطه مقابل تبیین مندرج در قطعنامه مورد تأیید شما، که به ارث گرفته شده از تبیین بورژوا پوپولیستی و رفرمیستی در چهل سال گذشته است. در این تردیدی نیست سرمایه داری حاکم در ایران و کشورهای با شرایط مشابه کارکرد ویژه و متفاوت از کارکرد دولتهای سرمایه از جمله در کشورهای غربی را دارد. اما اختلاف آنجا است که قطعنامه شما آن ویژگی را در کارکرد "باندتهای مافیائی، رانت خواری و دزدیهای سازمانیافته" که ثروت و اموال اجتماعی را "غارت" کرده اند، می بیند. همانطور که جناحهای جمهوری اسلامی در مقابل هم همین ادعاها را دارند. احمدی نژاد تندتر از همه شان گفت مشکل "برادران قاچاقچی اند". شب و روز رضا پهلوی و مجاهد و سازگارا و دیگر چهره های اپوزیسیون بورژوایی تبلیغ میکنند که مشکل کشور حاکمیت "باندتهای مافیا و تبهکار غیر مدیر و اختلاسگران سازمانیافته و رانت خوارها" است و مدعی اند اگر آنها بیایند سرکار، به بساطشان پایان خواهند داد. در نتیجه ویژگی سرمایه داری حاکم بر ایران با این کارکردهای مورد اشاره قطعنامه شما که جزو خصلتهای موجود در همه جناحهای سرمایه داری است، قابل توضیح نیست. صرفنظر از شدت و ضعف در کشورهای مختلف، اختلاس و دزدی سازمانیافته و مافیابازی جزو خصلتهای عمومی نظم کاپیتالیستی در همه جهان است. به خود زحمت دهید کمی اخبار جهانی را تعقیب کنید، در آمریکا و کانادا و اروپای صنعتی خیلی وقتها از کارکرد باندتهای مافیایی بخشا در قدرت، دزدیهای بزرگ، مالیات نپرداختنهای میلیونی و گاهها میلیاردی صاحبان سرمایه ها و کمپانیهای بزرگ افشاگری میشود. سالها میلیاردری به نام برلوسکونی راسیست اساسا در اتکا به شبکه های مافیایی و رسانه ای نخست وزیر یکی از هفت کشور صنعتی جهان یعنی ایتالیا شد. به نظرم ترامپ رئیس جمهور کنونی آمریکا بدون درهم تنیدگی با اختلاس و دزدی سازمانیافته و کارکرد مافیایی سرمایه داران پیرامونش به اینجا نمیرسید. در نتیجه خصلت مافیایی و اختلاس و دزدی نمیتواند تفاوت ویژگی کارکرد سرمایه داری ایران را با سرمایه داری پیشرفته صنعتی نشان دهد، بلکه ویژگی کارکرد سرمایه داری حاکم در ایران را در مطلب قبلی به اختصار نوشتم و اینجا با توضیح بیشتر مجددا بر آن تأکید میکنم.

سرمایه داری متکی به کار ارزان و استبداد خشن

اصلی ترین کارکرد ویژه کاپیتالیسم حاکم بر ایران چه در دوره سلطنت و اکنون در دوره جمهوری اسلامی اتکا به نیروی کار ارزان به منظور کسب سود و طبعا کسب سود نجومی است. اگر جوانمیر مرادی به درست میبرد "چرا آنجا (منظورش کشورهای اروپایی است) بیمه بیکاری و بیمه های اجتماعی و درمانی و غیره هست، اما اینجا خبری از آنها نیست؟ چرا آنجا حقوق و دستمزد کارگر را سر موقع می دهند، اما اینجا ماهها و سالها به کارگر حقوق نمی دهند و در صورت

اعتراض، کارگر را با باتوم می زنند و بازداشت و زندانی می کنند؟ و من اضافه میکنم چرا در ایران دستمزد ها چند بار زیر خط فقر است، دستمزدهای معوقه سرسام آور و کشنده است؟ چرا حق اعتصاب و تشکل نیست؟ و غیره پاسخش با "مافیا بازی و دزدیهای سازمانیافته" قابل توجیه و توضیح نیست، بلکه دقیقا نیاز سرمایه داری ایران به نگه داشتن طبقه کارگر در نازلترین سطح حق و حقوق به منظور تامین کسب سود نجومی عاملش است. و برای اینکه این بیحقوقی مطلق را بر طبقه کارگر تحمیل کنند به حاکمیت استبدادی خشن تماما ضد کارگر مثل رژیم جمهوری اسلامی و قبلا استبداد سلطنتی متکی به ساواک و شکنجه و زندان و اعدام و اختناق احتیاج دارند. مهمتر کارگران نباید تردید کنند که فردا همین جریانات بورژوایی اپوزیسیون امثال جمهوریخواهان و رضاپهلوی و شورای گذار و همپالگیهایشان اگر به قدرت برسند همین بساط کار ارزان و کارگر خاموش را با اتکا به استبداد و سرکوبگری احیا خواهند کرد. واضح است در کشورهای سرمایه داری پیشرفته و صنعتی هم طبقه کارگر نیروی اصلی ایجاد سود و ارزش اضافه برای سرمایه داری است، اما اساسا به دو دلیل کارگران در این کشورها از شرایط مساعد تر کار و زیست در مقایسه با شرایط کار طبقه کارگر در ایران بهره مندند. دلیل اول، در کشورهای صنعتی پیشرفته و غرب، کسب سود نجومی و مورد نیاز سرمایه داری، با اتکا به صنعت و تکنولوژی پیشرفته و در دوره معاصر اتکا به پیشرفته ترین سیستم نئی و انفورماتیک و روبات و ... که هر روزه در حال پیشرفت و تحول است، سهلتر و سریعتر به دست میاید و آن درجه تشدید شرایط سخت کار بر کارگران مثل ایران لازم نیست و حتی ممکن نیست. دلیل دوم طبقه کارگر صنعتی در کشورهای غربی طی چندین دهه مبارزات جانانه، سازمانیافته و هدفمند بسیاری از حق و حقوق به رسمیت شناخته شده فعلی مثل بیمه های بیکاری و اجتماعی و درمانی، حق اعتصاب و تشکل و تعیین دستمزد بالاتر از خط فقر و بخشا تامین کننده زندگی را بر بورژوازی تحمیل کرده اند. اینها دلایل واقعی شرایط متفاوت کار و شرایط بهتر زندگی کارگر و خانواده کارگری در کشورهای صنعتی پیشرفته است. اتفاقا همین شرایط متفاوت و نیاز به نیروی کار ارزان، کمپانیها و قطبهای اصلی بورژوازی جهانی را به این جهت سوق داده است، که مراکز مهم کار را از اروپا و آمریکا و کانادا به کشورهای آسیایی و آفریقایی و هر جا که نیروی کار ارزان با کمترین حقوق وجود دارد، منتقل کنند. نمونه های آن فراوان و لازم به گفتن نیست. ناگفته نماند در چهار دهه اخیر بورژوازی افسار گسیخته با طرح "ریاضت کشی" گام به گام در صدد پس گرفتن دستاوردهای دیرینه جنبش طبقه کارگر است و تنگناهای جدی را بر جنبش طبقه کارگر در کشورهای صنعتی و پیشرفته هم وارد کرده است.

به عنوان نتیجه گیری پایانی، سرمایه داری متکی به کار ارزان با روبنای سیاسی استبدادی خشن که تحمیل بیحقوقی مطلق سیاسی و اقتصادی به طبقه کارگر و حتی بخش عظیم شهروندان جامعه را تضمین کند، ویژگی اصلی کارکرد کاپیتالیسم حاکم بر ایران است. براین اساس در بطن تحول سیاسی مهم سال ۵۷ حکومت جمهوری اسلامی تماما ضد کارگر و ضد انسان برای بورژوازی ضربه خورده تا منتها ضرورت پیدا کرد. در مطلب قبلی هم نوشتم، تخفیف دادن این کارکرد سرمایه داری به وجود "باندتهای مافیائی، رانت خواری و دزدیهای سازمانیافته" پرده پوشی ماهیت شدیداً ضد کارگری و ضد انسانی سرمایه داری حاکم و هیئت حاکمه جمهوری اسلامی است. کارگران میدانند که جناحهای جمهوری اسلامی در مقابل هم و برای از زیر فشار بیرون بردن کل سیستم و نظامشان در مقابل نقد و اعتراض کارگری و برحق اتفاقا همدیگر را به "اختلاس و دزدیهای سرسام آور و مافیا بازی" متهم

کارگران و

تحریم اقتصادی ...

میکند. بخشهای متعدد اپوزیسیون بورژوازی برای "اعاده حیثیت" نظم سرمایه شان در ایران، جمهوری اسلامی را از قالب یک حاکمیت بورژوازی تمام عیار به یک مشت "باند مافیایی، غارتگر و دزد و مافیای غیر مدیر" تشبیه میکنند. در این چهارچوب بعضی از مفسرین سطحی چپ متاسفانه و به ناحق زیر عنوان "کمونست کارگری" اعتراضشان به سرمایه داری را به "کلیتوکراسی، یعنی دزد سالاری" نظم سرمایه تحقیف میدهند و خاک در چشم کارگر میپاشند. آنچه در قطعنامه مورد انتقاد من و ظاهراً به نیابت از کارگران بیان شده، متاسفانه تکرار همین تبیین های سطحی جناحها و جریانات بورژوازی است که در اساس چیزی جز پرده پوشی ماهیت استثمارگرانه و ضد کارگری کلیت سرمایه داری را در بر ندارد. در دوره مصافهای طبقاتی حاد و سرنوشت ساز جاری و آینده، کارگران و پیشروان سوسیالیست کارگری لازمست با حساسیت و شفافیت بسیار بالا تمایز همه جانبه سیاسی و طبقاتی را با جنبشها و ترندها و آلترناتیو های بورژوازی ترسیم کنند. حساسیت من در دو نوشته اخیر در نقد قطعنامه ۱- انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه، ۲- سندیکای نقاشان البرز، ۳- کانون کارگران ساختمانی کردستان، ۴- گروهی از کارگران و فعالین کارگری سقز به منظور بالا بردن این حساسیت و در این راستا است.

اعدام قتل عمد دولتی است!

علیه اعدام و حکومت

اعدام اعتراض کنید!

اعلامیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونست

اعدام ابزار ارباب جامعه است، علیه حکومت اعدام بایستیم!

جمهوری اسلامی حاکمیت ارتجاعی و ضد انقلابی اش را با اعدام مخالفین سیاسی آغاز کرد و طی بیش از چهار دهه، اعدام یک ابزار کلیدی سرکوب جامعه بوده است. از اعدام های صحرایی ماه های بعد از انقلاب ۵۷ در کردستان و ترکمن صحرا تا اعدام گسترده زندانیان سیاسی در مقاطع مختلف دهه شصت، از اعدام های در ملاء عام زندانیان عادی تا قتل عام در تظاهرات ها و اعتراضات توده ای، همه یک هدف را دنبال کرده اند: بقای حکومت با اتکا به سرکوب و گسترش ارباب در جامعه!

اعدام یک قتل عمد دولتی است. تنها تفاوت قتل توسط دولت با قتل توسط افراد این است که قتل توسط فرد ممکن است خواسته یا ناخواسته رخ دهد، اما دولت عمدانه و آگاهانه اعدام می کند، با نقشه قبلی و طی مراسمی شنیع می کشد، برای آن دادگاه و قاضی و جلد دارد، و بدتر؛ آنرا بنام "اجرای عدالت" جاری می کند. حکومت و نظامی که راه حل دردهای اجتماعی را جلد و اعدام می داند، حتی بعنوان یک نظم بورژوازی پوسیده تر از اسلاف خویش است. قربانیان اعدام، برخلاف ادعای "مقابله با جرم" دولتها، اساساً مردمی هستند که به سلطه سیاسی و فرهنگی قدرت حاکمه تن نمی دهند. اعدام یک جنایت سازمانیافته دولتی برای خط زدن صورت مسئله معضلات اجتماعی است که مسبب آن نظم و مناسبات اقتصادی کنونی است.

اعدام های اخیر در شهرهای مختلف ایران بویژه در وحشت از تلاطمات سیاسی و اعتراضات توده ای و کارگری است و در عین حال پاسخی به شورش زندانیان در زندان های ایران است که بین مرگ در اثر کرونا و شلیک زندانبانان، دومی را انتخاب کردند. دستور "رئیس" جلد برای اجرای سریع احکام اعدام صادر شده، تلاشی برای نشان دادن دندان تیز و قدرت سرکوب نظام اسلامی به جامعه ای است که از هم اکنون اعتراض و اعتصاب در آن مجدداً آغاز شده است. اعدام های اخیر یک سیاست پیشگیرانه برای جلوگیری از تکرار خیزش های آبانماه است که بسرعت اوج می گیرد. در این میان سیاست جمهوری اسلامی این است که خانواده های مقتولین را وسیله و شریک اجرای اعدام و اهداف ارتجاعی و جنایتکارانه خود کند. با اعدام، هیچ زندگی از دست رفته ای بر نمی گردد، با اعدام هیچ درد فقدان التیام نمی یابد، با اعدام تنها چرخ های ماشین جنایت روغنکاری و سنت قرون وسطایی "خون در مقابل خون" مرمت می شود. اعدام ارتکاب قتل مجدد و قانونی و دامن زدن به روحیه انتقامجویی در جامعه است. هر جامعه ای که به آزادی با هر روایتی فکر میکند، باید آگاهانه از آن عبور کند و وظیفه خود را در هم کوبیدن ریشه های اقتصادی و اجتماعی جنایت و قتل و شانس دادن به افراد برای بازگشت به یک زندگی مفید قرار دهد.

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونست، خانواده های قربانیان، آزادیخواهان و بویژه طبقه کارگر و اردوی چپ جامعه را به تقابل آگاهانه با اهداف ارتجاعی حکومت اسلامی و سیاست اعدام فرامی خواند. خانواده های قربانیان نباید وسیله جنایت و اهداف حکومتی شوند. ما از تلاش های مردم آزادیخواهی که تلاش دارند مانع هر اعدامی شوند قدردانی می کنیم و در عین حال بر ضرورت یک اقدام گسترده و اجتماعی علیه سیاست حکومت اسلامی و اهداف ارتجاعی و ضد کارگری تاکید داریم. ما اهداف جمهوری اسلامی و این قتل های حکومتی را قویاً محکوم می کنیم و از مردم آزادیخواه ایران در داخل و خارج کشور می خواهیم همصدا با ما و با ابتکارات مختلف در مقابل سیاست ها و اهداف ارتجاعی جمهوری اسلامی سد محکمی ایجاد کنند. ما خواهان آزادی فوری زندانیان سیاسی، توقف و لغو احکام اعدام و آزادی زندانیان عادی در شرایط بحران کرونا هستیم. **نه به اعدام! اعدام باید ممنوع و ملغی شود!** حق حیات یک حق پایه ای انسان هاست و هیچ دولت و قدرت و آتوریته ای حق سلب آنرا ندارد!

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی!

زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم!

۶ مه ۲۰۲۰ - ۱۷ اردیبهشت ۱۳۹۹

امضاها: اتحاد فدائیان کمونست، حزب کمونست ایران، حزب کمونست کارگری - حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت)، هسته اقلیت.

دو یادداشت

کارگران معادن زغال سنگ کرمان مدیر عامل را فراری دادند!

علی خامنه ای چرند میگوید!

سعید یگانه

کارگران معادن زغال سنگ کرمان سه شنبه ۱۶ اردیبهشت مدیر عامل را از شرکت فراری دادند. دست این کارگران درد نکند. این بلا را کارگران باید سرهمه این مفتخورها و زالوصفت‌های کارفرما و سرمایه دار در بیآورند. حق کارگران معدن است که خود کنترل شرکت را به دست بگیرند. معدن یا هر واحد تولیدی منابع و ثروت جامعه است و ابتدا متعلق به کارگرانی است که شب و روز در آن جان می‌کنند و سود به جیب دولت و سرمایه دار و کارفرما سرازیر می‌کنند و بالای جان خود کارگران می‌شوند. این کارگران هستند که باید قبل از هر کس از نتیجه کار و زحمت خود سود ببرند نه سرمایه دار و دولت که نتیجه کار و زحمت کارگران را به جیب می‌زنند و هر وقت بخواهند کارگران را اخراج و بیکار و به روز سیاه می‌نشانند. این نظم و قوانین کار و سرمایه وارونه را باید به نفع طبقه تولید کننده یعنی طبقه کارگر تغییر داد.

روز اول اردیبهشت ۳۰۰۰ نفر از کارگران معادن کرمان در اعتراض به واگذاری شرکت به بخش خصوصی و اجرای طرح طبقه بندی مشاغل و افزایش دستمزدها دست به اعتصاب زدند و با وعده رسیدگی به خواست کارگران به اعتصاب خاتمه دادند. روز ششم اردیبهشت در مجلس اسلامی جلسه ای جهت رسیدگی به مشکلات کارگران تشکیل شد و از حضور نماینده کارگران در این جلسه ضدکارگری جلوگیری به عمل آمد و آن را به جلسه امنیتی علیه اعتصاب و برنامه ریزی سرکوب کارگران تبدیل کردند.

روز سه شنبه ۱۵ اردیبهشت ۳۵۰۰ نفر از کارگران دوباره در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالباتشان دست به اعتصاب زدند. فراری دادن مدیر عامل شرکت در روز سه شنبه ۱۶ اردیبهشت به دنبال دور جدید اعتصاب، جواب دندان شکن کارگران به عدم رسیدگی به خواست و مطالبه آنان و عدم حضور نمایندگان آنان در جلسه بررسی مطالبات کارگران در مجلس کذایی رژیم در روز ۶ اردیبهشت بخوان "جلسه تصمیم به سرکوب کارگران" بود. لابد روز بعد کارفرما با حمایت گارد ویژه و نیروهای حافظ سرمایه برای سرکوب و شکستن اعتصاب کارگران به شرکت هجوم خواهند آورد. سیاستی روتین که دولت سرکوبگر اسلامی در مقابل اعتراض و اعتصاب حق طلبانه کارگران در حمایت از سرمایه داران و کارفرمایان انگل و سودجویه کاری گیرند.

دولت جمهوری اسلامی در نهایت افلاس اقتصادی برای تامین بودجه سرپا نگه داشتن دستگا‌های سرکوب و نظام مذهبی و حکومت کثیف سرمایه داریشان، بیشتر واحدهای صنعتی و تولیدی را به حراج گذاشته است. این سیاست که بنام خصوصی سازی سالهاست در جریان است هجوم وسیعی را به زندگی و معیشت کارگران و به بیکارسازی وسیع در میان آنان دامن زده و زندگی میلیونها کارگر را به نابودی کشانده

است. این صنایع در میان خودیها و آقازاده ها و قرارگاهها و بنگاههای وابسته به سپاه پاسداران واگذار و حیف و میل می‌شوند. با اجرای این سیاست تاکنون میلیونها کارگر شغل خود را از دست داده و آنان را به فقر و نابودی سوق داده اند. مراکز تولیدی نیشکر هفت تپه و فولاد و هپکو و آذرآب و دهها واحد صنعتی و تولیدی



در نتیجه این سیاست طی سالهای گذشته تاکنون به سرنوشتی مشابه دچار شده و معادن زغال سنگ کرمان را نیز می‌خواهند با این سرنوشت روبرو کنند.

اعتراض و اعتصاب کارگران معادن کرمان برحق و باید مورد حمایت سایر کارگران در واحدهای تولیدی قرارگیرند. نباید اجازه داد که این معادن، تنها سرمایه کارگران که سالهاست نسل اندر نسل در آن کار کرده اند به دست مفتخورهای سرمایه دار معامله و حیف و میل شود و دسترنج آنان به تاراج برود. تجربه مبارزات کارگران هفت تپه، فولاد، آذر آب و هپکو در سالهای اخیر به ما می‌آموزد که تنها ضامن کارگران برای پیگیری و تحقق مطالبات خویش و ممانعت از اجرای سیاستها ضدکارگری رژیم سرمایه داری اسلامی، مبارزه متشکل، اتحاد و هبستگی یکپارچه کارگران از طریق مجامع عمومی و شوراهای کارگری برای تحمیل اراده خود به دولت و کارفرما می‌باشد.

علی خامنه ای چرند میگوید!

علی خامنه ای رهبر ضد کارگری دولت اسلامی در سخنرانی تصویری به مناسبت "هفته کارگر" اسم اسلامی اول ماه مه روز جهانی طبقه کارگر، "خواستار رعایت حقوق طبیعی کارگران و پرداخت منظم و بدون تاخیر دستمزد عادلانه آنان شد و ثبات و امنیت شغلی، بهداشت و درمان و خدمات رفاهی را از جمله مسائل بسیار مهم و حقوق طبیعی کارگران توصیف کرد".

حقیقتا که علی خامنه ای سر دسته استثمارگران و چپاولگران دسترنج کارگران، زیادی چرند میگوید! عوامفریبی سران جمهوری اسلامی برآستی که حد و مرزی ندارد. خامنه ای دم از پرداخت حقوق منظم کارگران می‌زند، اما کارگران در بخش زیادی از واحدهای تولیدی ماهها حقوق نمی‌گیرند و رنج می‌کشند و در اعتراض به این بی حقوقی، سرکوب و اخراج و زندانی و شکنجه می‌شوند. دم از ثبات و امنیت شغلی می‌زند که با سیاست خصوصی سازی و ضد کارگری میلیونها کارگر را از کار محروم و شغل خود را از دست داده اند. بیش از ۸۵ درصد اردوی کار ایران را با قراردادهای سفید و موقت به کار اجباری و ادار می‌کنند که از حمایت قانونی، امنیت شغلی و بیمه بیکاری محروم و در چنگ قانون جنگل سرمایه داران در ایران جسم و روح آنان به نابودی کشانده شده است.

به اینها باید گفت بساطتان را جمع کنید. دم از حقوق کارگر نزنید که همه مردم از جنایت و قساوت و سرکوب و ضایع کردن حق آنان به تنگ آمده اند. با رفتن و سرنگونی شما، کارگران شاید نفس راحتی بکشند و بر ویرانه نظم ستم و استثمارگرانه شما نظمی انسانی بدور از تبعض و نابرابری و استثمار برپا کنند. مرگتان باد!

کار را متوقف می کنیم!

آینده از آن ماست، دستجمعی خودکشی نمی کنیم!

کار را تعطیل کنیم. خانه بمانیم و سر کار نرویم. ما کارگران و کارکنان اسیر فقر و فلاکت ایم، اما دستجمعی خودکشی نمی کنیم. وضعیت ویژه نیازمند اقدامات ویژه است. در اوضاع کنونی، سازمان کار جامعه باید حداقلی، اورژانسی و پاسخ به نیازهای ضروری باشد. ما کارگران مراکز تولیدی و کارکنان مراکز اداری و خدماتی، بدون تست مرتب و بدون برخورداری از نیازهای پزشکی حاضر نیستیم در محلهای کار حضور پیدا کنیم. دولت و کارفرمایان متعهد و موظف به تامین نیازهای ضروری، پرداخت حقوق ها، تامین سلامت و بهداشت محیطهای کار هستند. کار را متوقف می کنیم!

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

اسفند ۱۳۹۸

نباید گذاشت کسی گرسنه بماند!

تامین معیشت و حقوق پایه مردم وظیفه مستقیم دولت است. در دوره بحرانی کنونی این وظیفه بی اما و اگر است. باید رژیم را موظف به تامین معیشت مردم کرد. نهادهای همیاری، که اینروزها نماد نوع دوستی و همبستگی انسانی اند، نباید بگذارند کسی بدون غذا و نیازهای اولیه بماند. در هر کوی و برزن بداد همسایه و سالمندان و محرومان برسیم. نیازهای غذائی و بهداشتی را به طرق مختلف تامین و توزیع کنیم. مبتکرانه راه های کمک رسانی را پیدا کنیم و به همدیگر اطلاع دهیم!

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

اسفند ۱۳۹۸

علیه مذهب و خرافات!

شیوع کرونا برای هزارمین بار نشان داد که خرافات مذهبی، امامان و بیوت دایناسورهای اسلامی، همه حجره های تجارت و تخدیر و جنایت هستند. آیت الله ها و آخوندها به بیمارستانهای مجلل و محیطهای خوش آب و هوا میروند اما مردم را به زیارت و خواندن دعا دعوت میکنند! ویروس کرونا در کنار وحشتی که آفرید در عین حال مذهب را در زمین خودش شکست داد. معلوم شد این همه بارگاه مذهبی و افسانه سرائی پیرامون آن پیشیزی ارزش ندارد و فقط دستگاه شیادی و کلاهبرداری است. به مساجد، زیارتگاه ها و نماز جمعه نروید! به سخنان جنایتکاران صنعت دین واقعی نگذارید! علیه خرافات مذهبی و توصیه های غیر علمی و غیر کارشناسانه بایستید! آخوندها و تجار دین را از محیط زندگی تان بیرون کنید! دستگاه دین و خرافات اسلامی بیشتر از کرونا برای سلامت و بهداشت جسمی و روانی شهروندان خطرناک است.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

اسفند ۱۳۹۸

یاد کارگران جانباخته معدن یورت گلستان گرامی است!

در قلب طبقه ما هزاران حفره پرنشدنی وجود دارد!



اتحاد کارگران شاغل و بیکار علیه بیکاری!

دولت را موظف کنیم!

- بیدرنگ شهرها و مناطق بحرانی را قرنطینه کند، نیازهای درمانی، بهداشتی، معیشتی، تدارکاتی و خدماتی ویژه قرنطینه را تامین و تضمین کند!
- نیازهای معیشتی و پزشکی و بهداشتی کلیه ساکنین ایران را به فوریت تامین کند!
- بیشترین امکانات و بودجه را به کادر درمان و نیازهای درمانی اختصاص دهد!
- کلیه مراکز تولیدی و خدماتی اعم از دولتی و خصوصی را تعطیل کند. تداوم فعالیت مراکز ضروری و اورژانس، بصورت شیفٹی با کاهش ساعات کار تضمین شود!
- حقوق کارگران و پرسنل واحدهای تولیدی و خدماتی بدون کاهش یا تعویق پرداخت شود!
- هر نوع اخراج و بیکارسازی توسط کارفرمایان ممنوع شود!
- کودکان کار و خیابان، بی مسکنان و معتادین را در مراکز ویژه با رعایت کامل کرامت انسانی و تامین نیازهای معیشتی و بهداشتی آنان اسکان دهد!
- وسائل بهداشتی از قبیل ماسک، دستکش و شوینده ها بصورت رایگان توزیع شود!
- لغو پرداخت قبوض آب و برق و گاز و اجاره و تلفن تا فائق آمدن کامل به بحران!
- لغو پرداخت بدهی و دیون مردم به بانکها تا پایان بحران و برگشت به وضعیت عادی!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

اسفند ۱۳۹۸

به حزب کمک مالی کنید!

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست به کمک های مالی شما نیازمند است. لطفاً کمک های مالی خود را از طریق این شماره حساب برای حزب بفرستید:

Norway

Account number: 0532 1432 400

Account holder: IKIR

IBAN: NO57 0532 1432 400

BIC: DNBANOKKXXX

Bank: DNB

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

سردبیر: سیاوش دانشور

Siavash_d@yahoo.com

اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:

سردبیر در انتشار و رد و تلخیص مقالات آزاد است. نشریه کمونیست تنها مقالاتی را منتشر میکند که برای این نشریه تهیه شدند. مطالب باید حداکثر تا ظهر پنجشنبه دریافت شده باشند.

هفتگی کمونیست

زنده باد سوسیالیسم!